



بخش نخست

درست بکوب! میخ را

علیرضا متولی

روش را بیاموزد. این راه و روش فقط با خواندن کتاب یا مقاله‌هایی در این مورد به دست نمی‌آید، بلکه آدمی باید به این راه و روش عادت کند.

حالا فکر می‌کنم بد نیست به یک نوع مهارت اصلی و کلیدی اشاره کنم و این مهارت در حکم آموختن ماهی‌گیری است. کلید همهٔ مهارت‌هاست که باید در آن ورزیده شوی و آن «مهارت کسب مهارت» است. چگونه باید عمل کنیم تا بتوانیم به مهارت‌های گفته شده

شاید تو هم این جمله را شنیده باشی: «انسان‌ها به دنیا می‌آیند تا زندگی کنند، نه اینکه خود را برای زندگی آماده کنند.»

معنای این جمله آن است که انسان‌ها وقت زیادی ندارند تا همهٔ آن را به‌منظور آماده شدن برای زندگی کردن صرف کنند. انسان یک بار به دنیا می‌آید و در همین دنیا باید به بهترین شیوه زندگی کند. زندگی کردن راه و روش خود را دارد. هر کسی وظیفه دارد، این راه و

عمل کنیم و به آن‌ها مسلط شویم؟
ایجاد مهارت در رفتار و زندگی،
نیازمند آموختن روش‌های کسب
مهارت است. نجاری را در نظر
بگیر. فرض کن او می‌خواهد یک
صندلی بسازد. نجار برای ساختن
صندلی به چوب، میخ، پیچ، چسب،
ابزارهای ویژه و طرح مناسب نیاز
دارد. اما آیا همه این‌ها کافی‌اند؟ او
باید در ساختن صندلی مهارت‌های
اولیه دیگری هم داشته باشد. باید
براساس طرح مناسب و چوب‌هایی
که در اختیار دارد، بتواند صندلی
محکمی بسازد. از طرف دیگر، باید
سلیقه و رضایت مشتری را هم در
نظر بگیرد. نجار باید در همه این
زمینه‌ها استاد باشد، اما اولین چیزی
که او یاد گرفته است، بریدن چوب و
کوبیدن چکش روی میخ است. شاید
فکر کنی کار ساده‌ای است، اما ساده
نیست.

من در نوجوانی یک تابستان را در
نجاری کار کرده‌ام و می‌دانم همین
کوبیدن روی میخ باید براساس اصول
باشد؛ وگرنه ۱۰۰ میخ کج می‌کنی و
آخری را هم کج فرو می‌کنی. گرفتن
چکش در دست مهارت می‌خواهد.
باید بدانی چگونه میخ را در جایی که
قرار است فرو برود، بگذاری و چگونه
سر چکش را به ته میخ بکوبی، تا اول

به دست خود نکوبی، و دوم میخ با
حداقل ضربات در جای مناسب فرو
برود.

ببین عزیزم، این یک مثال بود تا
بدانی که کسب هر مهارتی به دانش
اولیه و آموختن مهارت‌های اولیه
نیاز دارد. در مهارت‌های زندگی هم
همین‌طور است. بعضی از مهارت‌ها
در حکم مواد اولیه و بعضی در حکم
ابزارهای تو هستند. حالا باید یاد
بگیری چگونه آن‌ها را به هم وصل
کنی و یاد بگیری چگونه با چکش
اراده و هوشیاری، بر میخ رفتارهای
درست بکوبی.

تو با خواندن این مطالب نمی‌توانی
زندگی خود را عوض کنی، بلکه با
عمل کردن به آن‌هاست که می‌توانی

در خودت تغییراتی به وجود بیاوری.
انسان برای رسیدن به کمال
زندگی می‌کند تو هم برای رسیدن
به کمال تلاش کن. شرایط اجتماعی،
خانوادگی، جغرافیایی و موقعیت‌های
اقتصادی، آدم‌ها را طوری می‌سازد
که نیاز دارند، در بعضی رفتارهایشان
تجدید نظر کنند. تو براساس شرایط
در زندگی خود به رفتارهایی عادت
می‌کنی که دوست نداری به آن‌ها
ادامه دهی، اما چون عادت کرده‌ای،
دست برداشتن از آن رفتارها سخت
و گاهی عذاب‌آور می‌شود.

مهارت‌های که در شماره‌های
بعد خواهم گفت، به تو کمک می‌کند،
رفتارهای خوب در خود ایجاد کنی.

